

پیام هفت

برخیزانده شدن دِبورَه توسط خدا، به عنوان داور اسرائیل
و به عنوان مادری در اسرائیل
همان که تسلیم شدن زن به مرد را انجام داد
تا انتصاب خدا را حفظ کند
و همهٔ اسرائیل را به ترتیبی مناسب
تحت سلطنت و سروری خدا آورد

مطالعه متون مقدس: داوران ۴-۵

۱. کتاب داوران نشان می‌دهد که اسرائیل با رد کردن خدا به عنوان پادشاه خود، خدا را رنجانده بودند؛ در نظر خدا، این یک شرارت بزرگ، یک پلیدی بزرگ است اگر ما او را به عنوان پادشاهمان، خداوندمان، سرمان و شوهرمان رد کنیم - اول سموئیل ۸: ۷؛ ۱۲: ۱۷، ۱۹؛ داوران ۲۱: ۲۵؛ ۱۷: ۶؛ لوقا ۱۹: ۱۱-۱۴؛ ارمیا ۱۱: ۱۳؛ حزقیال ۱۶: ۲۴؛

آ. ما باید مدام مسیح را به عنوان پادشاهمان، خداوندمان، سرمان و شوهرمان برگیریم، تجربه کنیم و از او مسرت بریم تا او بتواند برکت ما شده، ما را برای مقدسین و همهٔ کلیساها مجرای برکت کند - متی ۲: ۲؛ یوحنا ۱: ۴۹؛ عبرانیان ۱: ۲۲-۲۳؛ دوم قرن‌تیان ۱۱: ۲-۳؛ هوشع ۲: ۱۹-۲۰؛ اعداد ۶: ۲۳-۲۷؛ اعداد ۱۲۸: ۵؛ ۴۸: ۲.

ب. متی ۱: ۱ از مسیح به عنوان «پسر داوود، پسر ابراهیم» می‌گوید:

۱. از آنجا که ما سرکش هستیم، باید توبه کرده و مسیح را به عنوان پسر داوود، یعنی به عنوان اقتدارمان، به عنوان حاکم مطلق و پادشاهمان، برگیریم تا او بتواند در پادشاهی خدا، در ما و بر ما حکم کند.

۲. اگر مسیح را به عنوان پسر داوود، آن که بزرگتر از سلیمان است، داشته باشیم، همچنین او را به عنوان پسر ابراهیم، اسحاق واقعی، خواهیم داشت؛ این بدین معناست که هر چه بیشتر مسیح را به عنوان پادشاهمان (پسر داوود) برگیریم، بیشتر تحت فرمانروایی او خواهیم بود، و هر چه بیشتر تحت فرمانروایی او باشیم، بیشتر از او به عنوان برکتمان (پسر ابراهیم) مسرت می‌بریم؛ این برکتِ خدای سه‌یکتای پروسه دیده و کامل به عنوان روح شامل تمام است - آ. ۱؛ غلاطیان ۳: ۱۴، ۱۶، ۲۹.

۳. این باعث می‌شود ما تبدیل شویم به مجراهای برکت برای پیشرفت مقدسین (رشد آنها در حیات) و برای شادی آنها در ایمان (مسرت بردن آنها از مسیح)؛ ما برای برکت دادن دیگران فراخوانده شدیم، پس ما، به عنوان مردمی متبارک، باید همیشه دیگران را برکت دهیم تا وارث برکت باشیم - فیلیپیان ۱: ۲۵؛ اول پطرس ۳: ۹.

۲. خدا دِبورَه را به عنوان داور اسرائیل برخیزاند، همان که تسلیم شدن زن به مرد را تمرین کرد تا انتصاب خدا را حفظ کرده و همهٔ اسرائیل را به ترتیبی مناسب تحت سلطنت و سروری خدا آورد - داوران ۴-۵:

آ. فرزندان اسرائیل پس از مرگ ایهود دوباره آنچه را که در نظر یهوه بد بود به جا آوردند (۴: ۱)، پس یهوه اسرائیل را به یابین، پادشاه کنعان که سردار لشکر او سیسرا بود، فروخت؛ او [یابین] نهصد ارابهٔ آهنین داشت و بیست سال بی‌رحمانه بر بنی اسرائیل ستم رانده بود - آ. ۲، ۳.

ب. در زمان داوران باب ۴، مردان اسرائیل در عملکرد مقام رهبری خود که توسط خدا مقدر شده بود شکست خوردند؛ این امر خدا را مجبور کرد که کاری فوق‌العاده و عجیب انجام داده، زنی به نام دِبورَه را به عنوان داور اسرائیل برخیزاند؛ برخیزانیدن چنین زنی کل وضع اسرائیل را تغییر داد - آ. ۴-۵.

پ. فرزندان اسرائیل نزد یهوه فریاد برآوردند (آ. ۳)، و دِبوره، یک نبیه، به عنوان داور اسرائیل برخیزانده شد؛ او زیر نخلِ دِبوره می‌نشست، و فرزندان اسرائیل برای دادخواهی نزدش می‌آمدند (آ. ۴-۵).
ت. در کتاب مقدس یک زن مناسب نشانگر آن که تسلیم خدا می‌باشد است، کسی که انتصاب خدا را حفظ می‌کند؛ این موقعیتی است که اسرائیل باید در برابر خدا به عنوان پادشاهش، خداوندش، سرش و شوهرش می‌داشت، ولی اسرائیل انتصاب خدا را نقض کرد، موقعیتش را به عنوان همسر خدا ترک کرد و او [خدا] را برای صدها بت رها کرد؛ این اسرائیل را به یک وضعیت و موقعیت رقت‌انگیز درآورد:

۱. شمشون از رحم مادر و در تمامی طول عمرش یک نذیره بود؛ یک نذیره می‌بایست موهای سرش را بلند می‌کرد، به این نشان که او قرار بود تحت سروری خداوند، که در آن قدرت است، باشد - اعداد ۶: ۵؛ داوران ۱۶: ۱۷؛ اول قرن‌تیان ۱۱: ۳-۶، ۱۰، ۱۵.

۲. ولی دلیل هر روز او را با سخنان خود به ستوه می‌آورد و بدو اصرار بسیار می‌ورزید که رمز نیروی خود را بگوید تا سرانجام «جان او [شمشون] به لب رسید» (داوران ۱۶: ۱۶)؛ به علت ترفندهای شیطان جهت به ستوه آوردن، شمشون به دام شیطان افتاد، موهایش به وسیله دلیل تراشیده شد، و توسط فلسطینی‌ها اسیر شده، نذر نذیره‌اش، قدرتش، شهادتش درباره تقدیس، و حضور خدا را از دست داد (دانیال ۷: ۲۵).

۳. کسانی که تعلیم مختلف و اشتباه را درباره این که ایمانداران نباید تسلیم صاحب منصبان تعیین شده توسط خدا باشند می‌پذیرند، با این تعلیم فاسد می‌شوند؛ با ما (مخصوصاً با خواهران متاهل - افسسیان ۵: ۲۲-۲۴) باید یک روح، جایگاه، محیط و نیت تسلیم بودن باشد؛ اگر شما یک چنین شخصی باشید، برکت بزرگی برای شما و آینده شما وجود خواهد داشت.

ث. با خواندن سرود دِبوره در داوران باب ۵، می‌توانیم ببینیم که او سرشار از توانایی، ظرفیت، بصیرت و دور اندیشی بود، ولی یک چنین شخص عالی و با استعداد خیلی مطیع بود؛ خدا او را رهبر قرار داد، ولی او ترتیب مناسب را حفظ کرده و باراق را به عنوان پوشش خود برگرفت - ۴: ۶-۹؛ ر. ک. اول قرن‌تیان ۱۱: ۳-۶، ۱۰.

ج. دِبوره پی برد که به مردی نیاز داشت که پوشش او باشد؛ همانطور که پولس در اول قرن‌تیان ۱۱: ۳ می‌گوید: «سر هر مرد، مسیح است. سر زن، مرد است، و سر مسیح، خداست.»

چ. وقتی که این زن عالی و فوق‌العاده در تسلیم بودن به مرد پیشوا شد، کل کشور ترتیبی عالی و مناسب گرفت؛ همه رهبران پیشوا شدند، همه مردم دنبال کردند، و ارتش شکل گرفت؛ همه در برابر یهوه به جایگاه مناسب خود بازگشتند.

ح. از این رو، دِبوره می‌توانست در سرود خود بگوید: «آنگاه که رهبران در اسرائیل رهبری کنند، / آنگاه که قوم داوطلبانه خویشتن را ایثار نمایند، / خداوند را متبارک خوانید... / آنگاه باقیمانگان نزد نجیب‌زادگان فرود آمدند؛ / قوم خداوند بر ضد زورمندان نزد من فرود آمدند» - داوران ۵: ۲، ۱۳.

خ. اولین و بزرگترین عملکرد خواهران در کلیسا تسلیم بودن است؛ اگر خواهران بتوانند این درس را بیاموزند، کلیسا قوی، غنی، و تازه خواهد شد:

۱. تسلیم بودن مستلزم تأمین حیات، مسرت فیض، کار صلیب، و انکار نفس است.

۲. کسانی که از مسیح پر شده‌اند، پر از اطاعت هستند؛ خداوند، که در سرتاسر زندگی‌اش تسلیم بود، حیات تسلیم و مطیع خود را به ما داده است - فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ عبرانیان ۵: ۷-۹.

۳. برای یک خواهر که با برادری ازدواج کند بدین معناست که او حاضر است خود را اهدا کرده، بگوید: «من حاضرم تسلیم شوم»؛ اگر خواهری هرگز در دلش نخواهد که به آن کسی که با او قصد ازدواج دارد تسلیم شود، آن خواهر نباید همسر او شده و با وی ازدواج کند - افسسیان ۵: ۲۲-۲۳؛ اول پطرس ۳: ۱-۶.

۳. دِبوره نه تنها به عنوان داور اسرائیل بلکه به عنوان مادری در اسرائیل برخاست - داوران ۵: ۷:

آ. وقتی که زندگی کلیسایی در عمل به اوج می‌رسد، باید مادران واقعی در هر کلیسا وجود داشته باشد؛ در رومیان ۱۶: ۱۳ پولس می‌گوید: «به رؤفُس که در خداوند برگزیده است، و به مادر او که در حق من نیز مادری کرده، سلام برسانید»:

۱. پولس رسول به یک مادر نیاز داشت؛ بدون خواهری که همچون یک مادر از آنان مراقبت کند، همه کسانی که حامل بار قلبی برای خدمت به خداوند هستند غمگین خواهند بود؛ همه ما به مراقبت مادران روحانی نیاز داریم، کسانی که مراقبت آنها تغذیه واقعی و حفاظت واقعی ماست.

۲. اینکه پولس مادری روحانی داشت نشان می‌دهد که مقدسین در زندگی کلیسایی در روم یک انتقال حیات توسط مصلوب شدن و رستاخیز مسیح داشتند؛ بهترین راه برای تجربه انتقال حیات، پیروی از الگوی پولس است، آن که مصمم شد که چیزی نداند جز عیسی مسیح، آن هم عیسی مصلوب - اول قرنیتان ۲: ۲.

ب. انجیل یوحنا کتابی درباره حیات، نه حیات طبیعی بلکه حیات منتقل و دگرگون شده، است؛ در اصل، یوحنا پسر مریم نبود، و مریم مادر یوحنا نبود، ولی با مرگ انتشار-دهنده حیات مسیح، با رستاخیز توزیع-کننده حیات او، و با وحدت آنان با او در حیات، شاگرد محبوبش می‌توانست با او یک بوده و پسر مادرش گردد، و مادرش می‌توانست مادر شاگرد محبوب او شود - ۱۹: ۲۶-۲۷.

پ. اولین رابطه ما در جسم است، ولی دومی در روح، یعنی در حیات منتقل شده، می‌باشد؛ ما چون تولد دوم داریم (۳: ۶)، به یقین دارای رابطه دوم، رابطه خانوادگی با خواهران واقعی و مادران واقعی، هستیم.

ت. اگر خواهران روح دعا و ایمان خود را تمرین دهند تا مادران واقعی باشند (دوم قرنیتان ۴: ۱۳)، پی خواهند برد که چقدر خودخواه بوده و در خودشانند؛ داشتن فرزندان خوب در روح، آنها را کاملاً افشا می‌کند؛ علاوه بر این، خواهران با مراقبت از تعدادی فرزندان روحانی، رشد کرده، در حیات بالغ خواهند شد.

ث. اگر خواهران عاشق خداوند بوده و نسبت به زندگی کلیسایی در بازیابی خداوند جدی هستند، آنها باید خود را به عنوان پرستاران خادم، پرستاران کلیسا بپندارند، که در کلیسا به عنوان یک بیمارستان واقعی پرستاری می‌کنند؛ همه خواهران باید توسط دعا، خواهران خادم بوده و توسط بهترین راه که محبت است مادران بامحبت باشند تا به نیازمندان و جوانترها در زندگی روحانی و کلیسایی آنان کمک کنند؛ این بهترین راه برای دریافت برکت، رشد، روحانیت، و مسرت واقعی از خداوند است - رومیان ۱۶: ۱-۲، ۱۳؛ اشعیا ۶۶: ۱۲-۱۳؛ اول قرنیتان ۱۲: ۳۱؛ ۱۳: ۴-۷.

۴. کتاب مقدس می‌گوید که در آن زمان در بین مردم خدا، «فکرهای دل» و «مباحثات دل» عظیم بود - داوران ۵: ۱۵-۱۶:

آ. داشتن فکر عظیم به معنای گرفتن تصمیمی قاطع است، و داشتن مباحثات [جستجو؛ کاوش] عظیم به معنای برنامه‌ریزی کردن جهت زیستن به سوی خداوند و زیستن خداوند برای بازیابی به‌روز در بناسازی بدن او، حاضر شدن عروس او، و آوردن ظهور پادشاهی او است - دوم قرنیتان ۵: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۱۴: ۷-۹؛ مکاشفه ۱۹: ۷-۹.

ب. همانطور که برادر لی در سال ۱۹۴۳ تحت فشار پلیس نظامی ژاپن قرار داشت، خدا به او رؤیایی از طلوع داد، مثل طلوع صبح، با یک بزرگراه پهناور، بسیار روشن، بسیار صاف، که بی حد کشیده بود؛ این بزرگراه پهناور، طلوع خورشید، و آینده نامحدود بازیابی خداوند است - ر.ک. امثال ۴: ۱۸.

پ. ما باید آرزو و دعا کنیم که همچون کسانی باشیم که دِبوره در پایان سرودش، که پایانی باشکوه دارد، توصیف می‌کند: «دوستانت [خداوند] همچو خورشید باشند، آنگاه که در قوتش طلوع می‌کند» - داوران ۵: ۳۱:

۱. اینکه خورشید در قوتش طلوع کند بدین معناست که روشن، درخشنده و باشکوه بدرخشد؛ اگر همهٔ کلیساها فکرها، کاوش‌ها، و طلوع به جهت درخشیدن مانند خورشید را تجربه کنند، به یقین از خداوند به عنوان پیروزی خود مسرت می‌برند.
۲. پیروزمندانی که با مسیح - شفا-دهنده به عنوان خورشید عدالت بازساخت شده‌اند، در پادشاهی پدر خود، همچون خورشید خواهند درخشید - ملاکی ۴: ۲؛ لوقا ۱: ۷۸-۷۹؛ متی ۱۳: ۴۳.